

## نظریه های انتقادی برنامه ریزی

مهران ابوطالبی<sup>۱</sup>، دکتر محمد شیخی<sup>۲</sup>

۱. کارشناس ارشد برنامه ریزی رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی mehran199@gmail.com

۲. دکتری برنامه ریزی شهری عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی

درسیر تطور و تکامل بشری ، نظرات انتقادی به عنوان پارادیم های<sup>۱</sup> چالش برانگیز یکسره به پیشبرد فهم و عقلانیت مدد رسانیده اند. اما بنیان های تئوریک نظریات انتقادی در حوزه وزین جامعه شناسی به دوران اخیر بازمی گردد. با ورود به قرن بیستم سیطره تمدن صنعتی به اوج خود رسید و غلبه عناصر مدرنیته در همه فضاهای زیستی و به تبع آن الزامات و فشارهایی که از ناحیه این تمدن صنعتی بر پیکره جامعه و نهاد بشر وارد شد بارقه های تفکرات انتقادی را در برابر هژمونی مدرنیته برافروخت.

بدین سان بود که بالاخره در دهه ۱۹۳۰ و همزمان با بحران بزرگ اقتصادی ۱۹۲۹ در غرب و هیجان و مقبولیت کمونیسم در شرق به همت تنی چند از بزرگان جامعه شناسی در شهر فرانکفورت زیر بنای تفکر انتقادی شکل گرفت. بنیانگذاران این مکتب به تقابل با تبعات ویرانگر سرمایه داری برخاستند و با طرح مضامینی چون صنعت فرهنگی ، صنعت دانش و... نظام سرمایه داری را متهم کردند که از طریق نشر گزاره های فرهنگی و اجتماعی مورد نظر خود تلاش دارد تا به تثبیت وضع موجود بپردازد. مکتب فرانکفورت<sup>۳</sup> تاکید و کانون توجه خود را بر حوزه فرهنگ متمرکز نمود و دهه های درخشانی از اقبال عمومی مخاطبین و بسط نظریات را پشت سر گذاشت. با وجود افول گفتمانی این مکتب در اواخر دهه ۵۰ میلادی همچنان پایبندان به این تفکر همانند یورگن هابرماس در تمام وجوه نظریه پردازی های معاصر تاثیرگذاری خود را حفظ کرده اند. آنچه مسلم است غنای یک مکتب انعکاس گر انباشت نظریات و رهیافت های گوناگون در حوزه های مختلف اندیشه ای آن است. درخصوص نظریات انتقادی توسعه منطقه ای چندین مکتب و پارادیم فکری شکل دهنده و فرماسیون بخش اصلی هستند؛ مکتب فرانکفورت ، نظریات وابستگی، نظریات پسا توسعه، کنش ارتباطی هابرماس و نظریات برنامه ریزی مشارکتی اتمسفر و فضای فکری تئوری های انتقادی برنامه ریزی را تشکیل می دهند.

چکیده: تئوری های انتقادی در دهه های اخیر تاثیر قابل توجه ای بر توسعه محیط های شهری و منطقه ای داشته اند. گفتمان انتقادی توان فکری و ذهنی برنامه ریزان را از نگاه صرف اقتصادی به سایر افق های اجتماعی ، فرهنگی ، سیاسی ، اکولوژیکی و ... معطوف کرده و پایه گذار تکوین نظام تعاملی گفتگو مدارانه بین برنامه ریزان و جامعه شده است. در این مقاله با استناد به ادبیات انتقادی، سیر نضج و شکل گیری نظریات انتقادی برنامه ریزی ، گونه شناسی های رایج و تحولات اخیر در حوزه مسایل منطقه ای مورد بررسی قرار گرفته است.

جمع بندی حاصل از برآیند نظریات انتقادی برنامه ریزی مشخص می کند یگانه و تنها نظریه برنامه ریزی جامع نگر که می تواند سکان دار توسعه شهرها و مناطق گردد ؛ تئوری های برنامه ریزی انتقادی مشارکتی<sup>۱</sup> و ارتباطی می باشند. نظریه انتقادی برنامه ریزی مشارکتی سودای توسعه علمی و عملی همه جانبه مناطق را در پرتو کنش ارتباطی دنبال می نماید و در پی آن است تا سیاست گذاری های یک سویه و خودمحور برنامه ریزان را از بین برده؛ کارگزاران اجتماعی و آحاد جامعه را از نقش های منفعل گذشته خارج ساخته و آنان را به کنشگران فعال در عرصه برنامه ریزی و اجرای طرح های منطقه ای بدل نماید. واژه های کلیدی : برنامه ریزی ، گفتمان انتقادی ، کنش ارتباطی ، کنشگران ، نظام تعاملی

## مقدمه:

ازخصلت های بارزهمساز شده با اندیشه های اجتماعی ، وجود تعارض گفتمانی و تضارب پیوسته آرا و افکارپیرامون نحله های مختلف است. به لحاظ تاریخی یونان باستان سرمنشا شکل گیری جدل ها و عوجاجات نظری و اندیشه ای در ساحت نظریه پردازی است. در این دوران فلسفه سقراط در قالب یک مکتب انتقادی واقعیت محور و ارزش گرا در برابر سفسطه گرایان غالب قد علم کرد و تمام نظریات قبلی را به نقد کشید. هرچند سقراط با ابرام و پایبندی بر نظریات خویش در نهایت جام شوکران را از آن جامعه واپس گرا به عاریت گرفت اما نگاه ژرف اندیش انتقادی وی سنگ بنای تمام انتقادیون اجتماعی گردید.

1. Collaborative Critical Planning

2. Paradigms

3. Frankfurt School